

وقتی عزیززی را از دست می‌دهیم هر چند فکر کردن رایج به اهدای اعضای او سخت است اما نفس عمل کاری با عظمت است؛زندگی دوباره دادن به بیمارانی است که لحظه به لحظه انتظار می‌کشند ، شاید امروز یا فردا کسی باشد که زندگی آن‌ها را نجات دهد و به آغوش خانواده شان برگرداند. عشق به همنوع در وجود همه ما ایرانیان شعله ور است.این بخشش هم کمتر از جهاد نیست؛بثاری است که خدای متعال نیز خواهان آن است ؛چرا که در سوره ی مائده آیه ۳۲ می‌فرماید:هرکه نفسی را حیات بخشد مانند آن است که همه مردم را حیات بخشیده است. این بدن فانی پس از در خاک آرامیدن کم کم از بین می رود چقدر زیباست که ما با مرگ خود حیاتی دوباره به زندگی افراد ببخشیم و خانواده‌هایی را شاد کنیم. آنان که رفتنشان آغازی برای دیگران شد ، بایسته تقدیرند.

در آستانه ماه مبارک رمضان،ماه خیر ، برکت و کمک به همنوع به بیمارستان مسیح دانشوری و واحد پیوند اعضا دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی رفتم و با خانم دکتر نجفی زاده رئیس واحد فرامگ آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی درباره فعالیت های این مرکز به گفت و گو نشستیم.

خانواده می‌گیرد،رضایت انتقال بیماراست و رضایت اهدای عضو نیست خانواده می‌تواند پس از همه ی این تأییدات رضایت ندهد که معمولاً این طور نیست خانواده‌ها درک بسیار بالایی دارند و وقتی بیمارشان را برای تأیید می‌فرستند ،خودشان منطقی فکر کرده و می‌بینند راه چاره ای نیست و از نظر قانونی تأیید خون رسانی می‌کنند فشار می‌آورد ، این منجر به بیسته شدن عروق شده ،خون رسانی قطع می‌شود و تمام سلول‌های مغزوساقه مغز مابهم تخریب شده واز بین می‌روند.ما در معاینات می‌بینیم که مغز افراد مرگ مغزی از لایه‌لای شکاف‌های جمجه بیرون زده است و قوام معمول سفت و نیمه جامد خود را ندارد

که گاهی اوقات همکاران ما به خاطر نشت مغز حتی نمی‌توانند نوار مغزی بگیرند.وقتی مغز تخریب می‌شود مرکزتنفسی که در مغز است تخریب شده درنتیجه آن فرد در واقع تنفس نخواهد داشت،به محض اینکه مرگ مغزی اتفاق می‌افتد تنفس قطع می‌شود، باطری اتوماتیک قلب ۶تا۶دقیقه تپش ایجاد می‌کند تا اینکه اکسیژن برسد و تپش را ادامه دهد اگر در عرض این ۶تا۶دقیقه اکسیژن رسانی انجام نشود تپش هم متوقف شده ودر نتیجه ایست قلبی اتفاق می‌افتد و دیگر هیچ کاری برای آن فرد نمی‌توان کرد، اما اگر در عرض این ۶تا۶ دقیقه لوله تنفسی گذاشته و تنفس مصنوعی برقرار شود در واقع باطری اتوماتیک قلب آن فرد گول می‌خورد و به خاطر اینکه اکسیژن به آن نمی‌رسد ضربانش را ادامه می‌دهد و این علت تپش قلب فردی است که مرگ مغزی شده است.شاید در این جای این پدیا نمی‌کند و فردی که مرگ مغزی شده را حد اکثر ۱۴ تا ۱۷ روز می‌توان نگه داشت؟

دلیل این موضوع این است که بسیار شنیده اید که مثلاً فردی در حادثه‌ای پیش قانقاریا شده و می‌گویند باید از این قسمت قطع شود وگرنه عفونت به خوش می‌زند ، قانقاری در واقع همان تخریب و سیاه شدن پاداست و هرچایی از بدن است که سلول های آن مرده اند، وقتی سیستمی از سلول های بدن می‌میرند از آن سلول های مرده موادی آزاد می‌شود که در بدن حرکت کرده و بقیه اعضا را از کار می‌اندارد، یک فرد مرگ مغزی مغزشش پُر است از موادی که برای بدن مضر است و اینها در مدت زمانی به عمق قسمت های بدن وارد می‌شوند و باعث اختلال عملکرد یکی یکی اعضای بدن و ازبین رفتن آن می‌شوند، ازطرفی مغر به عنوان فرمانده بدن فرمان تنظیم همه فعالیت های بدن را می‌دهد وقتی که خودش از بین می‌رود همه ی فعالیت های بدن به هم می‌ریزد، نتیجه اینکه فردی که مرگ مغزی شده را حداکثر تا ۱۴روز می‌توان نگه داشت درواقع او انسان مرده‌ای با اعضای که هنوز فاسد نشده است.ما می‌توانیم تنفس مصنوعی را از او جدا کنیم تا قلبش نیز از حرکت بایستد و او را مانند دیگر مردگان به خاک بسپاریم یا می‌توانیم اعضا را از فساد نجات داده و با آن اعضا جان بیماران دیگری را نجات بخشیم.
در واقع اهدای عضو به این معنی است؛در آوردن اعضای فاسد شده یک بدن مرده برای استفاده در بدن انسان دیگری که نارسایی اعضای بدنش به حدی رسیده است که دیگر درمان دارویی جواب نمی‌دهد و تنها راه امیدش پیوند عضو است.

*** برای تشخیص مرگ مغزی چه آزمایش هایی انجام می‌شود؟**

تأیید مرگ مغزی بستگی به معاینه کامل دوازده عصب مغزی دارد باید ثابت کنیم که دوازده عصب مرگ مغزی کاملاً از کار افتاده و کار نمی‌کنند .این خود معاینات ویژه ای دارد. به عنوان مثال وقتی نور به مردمک مرده بتابانیم مردمک تنگ نمی‌شود،با اگر قرنیه آن را تحریک کنیم پلک نمی‌زند یا وقتی ساکشن می‌کنیم سرفه نمی‌کند. در کنار معاینات اعصاب دوازده گانه مغزی تست های تکمیلی به ما بسیار کمک کننده هستند. برای مثال مریض را از دستگاه جدا می‌کنند ،بررسی می‌کنند که آیا خودشی تنفس پیدا می‌کند یا نه ،وقتی از دستگاه جدا می‌شود فقط به فرد با لوله اکسیژن می‌رسانند ، اگر کسی مرگ مغزی نباشد به محض اینکه دی اکسد کربن در بدن تجمع پیدا می‌کند مرکز تنفس او تحریک شده و تنفسش برمی‌گردد، اما اگر مرگ مغزی باشد به هیچ تنفسی در واقع پیدا نمی‌کند.
برای مرگ مغزی مغز قرار دارد، اگر به فردی که مرگ مغزی شده داروی آتروپین بزئیم نبضش اصلاً تغییر نمی‌کند،درحالی که اگر به فرد عادی بزئیم نبضش به شدت بالا می‌رود. در کنار همه این‌ها تست آهنه ، ایست تنفسی و نوار مغزی انجام می‌دهیم وهمه ی این‌ها را کنار هم می‌گذاریم و نتیجه می‌گیریم که مرگ مغزی شده است.البته هر کسی نمی‌تواند چنین تشخیصی بدهد و باید کسی باشد که از طرف وزیر حکم تأیید کننده مرگ مغزی را دارد ،هر متخصص مغزو اعصاب اجازه چنین کاری ندارد.وزیر بهداشت ودرمان هم به این متخصصی این حکم را نمی‌دهد بلکه این‌ها هم به نظر علمی و هم از لحاظ اخلاق و وجدان تأیید شده هستند و نهایت دقت را در مورد مرگ مغزی دارند که اشتباهی پیش نیاید.برای تأیید مرگ مغزی هر بیمار متخصص واحد شرایط او را معاینه می‌کنند، اگر یکی از این چهار نفربرای تأیید مرگ مغزی نظری مخالف بقیه داشته باشد،کل پروسه متوقف شده،حدود شش ساعت مهلت داده می‌شود،دوباره هر چهار نفر معاینات دقیق را انجام می‌دهند و هنگامی که نظر آنها به صورت اجماع بر تأیید مرگ مغزی بود ، یک متخصص پزشک قانونی به عنوان نماینده قوه قضائیه می‌آید و نظر قانونی را تأیید می‌کند که مرگ مغزی مورد غیر قانونی وجود نداشته باشد سپس تأیید کرده ودرجلسه ای با خانواده بیماربرای اهدای عضو و رضایت می‌کنند. رضایتی که بیمارستان ابتدا

مثال بچه ای امروز اینجا است که گیرنده در سباز خود ندارد در نتیجه عضوش هدر می‌رود. مسئله ای که در راس همه این اولویت‌ها قرار دارد بدحالی می‌است. گاهی اوقات مرضی آن قدر بد حال می‌شود که طاقث ماندن در لیست را ندارد و در چنین شرایطی سعی می‌کنند که به طور اورژانس برای اوعضو فراهم کنند.در این زمینه ما یک درجه بندی به نام meld داریم که هرچه بالاتر باشد وضعیت بیمار اورژانسی تر است.مثلاً آقای داوود نژاد که نارسایی کبدی اش به قدری بود که من وقتی از تیم پیوند شیراز پرسیدم گفتند تا به حال مرضی نداشتیم که این حد meld بالایی داشته باشد.در صورتی که عده ای از این مطالب بی‌خبر بوده و فکر می‌کردند به خاطر پارتی بازی این پیوند انجام نشده است در حالی که همزمان با آقای داوود نژاد اشخاص دیگری هم بودند که اورژانسی پیوند های دیگری را دریافت کردند اما چون شناخته شده نیستند مطرح نمی‌شوند. بنابراین این طور نیست و



آنان که رفتنشان آغازی برای دیگران است

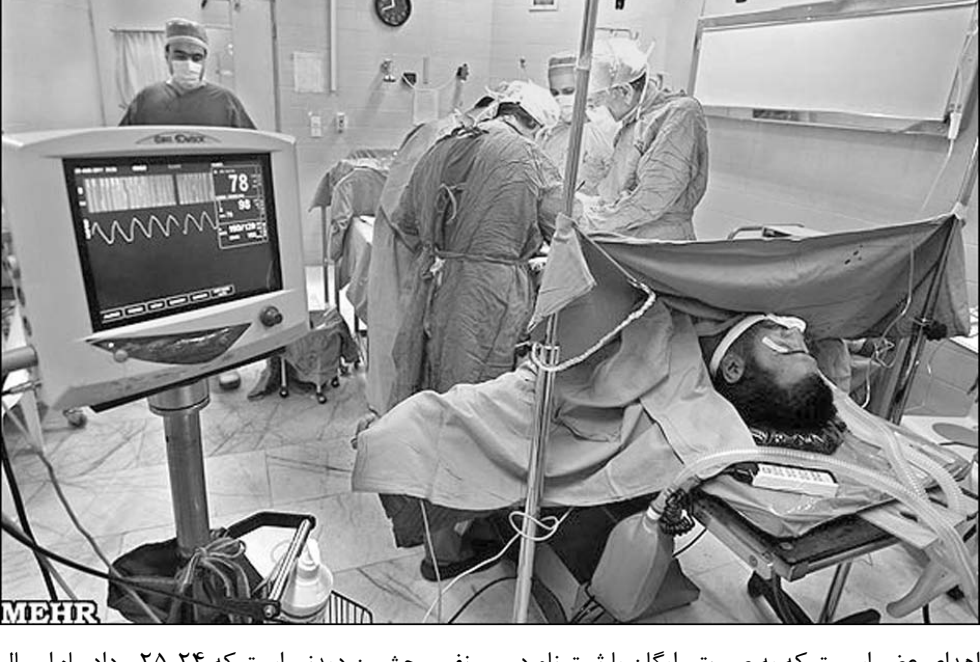
■ سید محمد مشکوه الممالک

بگیردمثلاً از صدواسیما آمده باما مشورت و تعامل کرده وبا هزینه خود مستندهایی در این رابطه ساخته اند. گاهی سعی براین داریم که حتماً اطلاعاتی که به مردم داده می‌شود صحیح باشد و در این زمینه با وزارت فرهنگ وارشاد تعامل داریم که نکند فیلمی ساخته‌شود که در آن اطلاعات کاملاً غلط بوده و تأثیرات منفی بر اذهان عمومی بگذارد. مثلاً اینکه فیلمی در تلویزیون نشان دهد یک نفر اهدای عضو کرده و بعد زنده شده یا در فیلمی که گفته شده بود مرگ مغزی بود اما دوباره زنده شد، این کاملاً اشتباه است.با سازمانی بهداشت صحبت شد که این قسمت از فیلم حذف شود ولی او به خاطر اینکه مبلغی را برای تهیه سی دی خانگی این فیلم هزینه کرده بود حاضر به این کار نشد و بالاخره همکاری وزارت ارشاد سبب جمع شدن این فیلم شد.دوستان خیلی باید دراین زمینه دقیق باشند ؛ چرا که این ورطه اصلاً جای شوخی و اشتباه نیست. در حال حاضر وزارت ارشاد تفاهم نامه‌ای با ما دارد که تمام فیلمنامه‌ها و فیلم‌هایی که موضوع اهدای عضو و پیوند عضو داشته باشد حتماً می‌شود.پیوند ریه در تهران در دومرکز مسیح دانشوری وامام خمینی (ره) انجام می‌شود،برای پیوند کلیه هم بزرگ ترین حرکت فرهنگی ما جشن نفس است یعنی مراسم بزرگداشت پیوند اعضاست که از همه ی خانواده‌های اهدا کننده و تمام گیرنده های کلیه، کبد،قلب ،ریه، پانکراس،نسوج و..دعوت می‌شود و از آن طرف بیمارهای نیازمند،هنرمندان و ورزشکاران هم هستند ،مقامات و مسئولین هم به این جشن می‌آیند هدف از این جشن تقدیر ازاین خانواده‌ها است و جشن

خیربر برای پیوند عضو مراکز مختلفی وجود دارد. پیوند کبد در شیراز ،بیمارستان های امام خمینی(ره) و طالقانی تهران انجام می‌شود، پیوند قلب در بیمارستان های ریحعتی،امام خمینی مسیح دانشوری، بقیة الله تهران وشهرهای مشهد، یزد و اصفهان انجام می‌شود.پیوند ریه در تهران در دومرکز مسیح دانشوری وامام خمینی (ره) انجام می‌شود،برای پیوند کلیه هم خوشبختانه بیش از ۴۰ مرکز در کشور در شهرهای مختلف وحتى دور افتاده در حال کار هستند.پیوند کبد هم مرکز خوبی که در حال حاضر شروع به فعالیت کرده و عملکرد خوبی هم دارد کرمان است .

*** چه کارهای فرهنگی ای برای راغب ساختن مردم به اهدای عضو انجام شده است؟**

یکی از کارهای فرهنگی ما،ایجاد کارت هایی برای



نفس جشن دیدنی است که به ۲۴و۲۵مرداد ماه امسال ان شالله برگزار خواهد شد.

*** از خاطرات خودتان در این مدت بگوئید**
در اینجا خاطرات ما تلخ و شیرین است مثلاً دیروز که جلسه داشتیم رایج به جشن نفس صحبت می‌کردیم بچه‌ها شاهد بودند که چند بار چشمانمان پر از اشک شد. برای اینکه درباره کارهایی که قرار بود در جشن انجام داد صحبت می‌کردیم که چه کار کنیم که برای خانواده ی مرگ مغزی بیشترین ارزش می‌دانند و بیشتر جنبه اطلاع رسانی و فرهنگ سازی دارد ودر حال حاضرهم ریه ما سه‌است که گروهی با ما هستند هر کار که می‌کنیم فیلم می‌گیرند ایده‌های قشنگی را شکار می‌کنند تا مستندی بسازند که مطمئنم همتا ندارد ، در اینجا به روی همه باز است. اینجا هر روز خبرهای تلخ و شیرین است چند روز پیش مرضی پیوند ریه ما مرخص شده بود مرضی که نمی‌توانست نفس بکشد با پای خود شاد و خوشحال با گل و شیرینی به بیمارستان آمده بود و می‌پرسید چطور می‌توانم از تیم پیوند تشکر کنم .من در کل به همه مرضی‌ها می‌گویم نیازی نیست چیزی مادی برای تشکر بخریزید چون هیچ چیز نیست که ارزش کار این تیم را داشته باشد تیم جراحی ۱۲ساعت داخل اتاق عمل است و استرس زیادی را تحمل می‌کند واقعاً کار بسیار سختی است به خصوص پیوند ریه ، کار ایسن تیم ارزش مادی ندارد ، ارزش معنوی دارد می‌گویم تو مراقب خودت باش وقتی تو سالمی ، بدون اکسیژن راه می‌روی برای ما کافی است. توصیف دیدن مرضی پیوند شده خیلی لذت بخش است .بچه‌ها را که می‌آورند برای من خیلی سخت است و تحمل دیدنشان را ندارم بچه ی ۶ ساله ای بود که به اتاق عمل برای شست وشوی ریه برندن که عارضه پیدا می‌کند ودر حالی که چندین بار این کار انجام شده ونسبتاً موفق بوده اما این آخرین بار عارضه پیدا می‌کند و مرگ مغزی می‌شود.من وقتی رفتم، پدرومادر این بچه را دیدم که تعادل روانی خود را از دست داده بودند ، همه پرسند در حال گریه بودند ، خیلی روز سختی بود.ما اینجا روزی را نداریم و اتفاق خاصی نیفتد. ضمن اینکه درحال حاضردر واحد پیوند ما،برای اهدای عضو حدود ۹۶درصد و نجات و رضایت می‌دهند علت هم این است که ما

زندگی ببخش. گاهی ممکن است فکر کنند به خانواده اهدا کننده پولی داده می‌شود که این هم اصلاً درست نیست و همکاران ما در مراسم ختم لوح‌ها را پشت بلند گو می‌خوانند و توضیح می‌دهند که این فقط یک اهدا است و هیچ گونه پولی به این خانواده داده نشده و از خانواده تشکر می‌کنند .بنده مطمئن هستم درک مردم عزیز ماآن قدر بالاست که اگر سوء تفاهم‌ها برای مردم برطرف شود معمولاً بهترین و صحیح ترین تصمیم را می‌گیرند.

***در باره اهدای عضو و قوانین و مقررات نظر خاصی ندارید؟**

اهدای عضو در کشور به سازماندهی قوی ومحکمی نیاز دارد قانون پیوند اعضا در سال ۸۱ به مرحله ی اجرا در آمد و سیستم پایه گذاری شده در کشور سراسری شد ازآن زمان تا حالا هیچ وقت پیگیری درستی برای تکمیل آن صورت نگرفته است.قانونی که آن زمان نوشته شده حتماً باید دوباره بررسی وتکمیل شود .برای مثال چند سال قبل یک بخشنامه ای برای ما آمد که اعضای بدن اتباع بیگانه را در صورت مرگ مغزی نمی‌توانید به فرد ایرانی اهدا کنید و از فرد ایرانی هم نمی‌توانید به آنها بدهید.در حالی که قانون «پونوس» در آمریکا اعضا را بین ایالات مختلف،در اروپا بین کشورهای مختلف به اشتراک می‌گذارند و قانونی وجود دارد که بین



تج تاح ده درصد اجازه دارند به بیگانه بدهند و از بیگانه بگیرند هر ساله هم آمار را بررسی می‌کنندکه این تعادل به هم نخورد و ظلمی به مردم آن کشور نشده باشد. ما در حال حاضر خیلی از شهروندان افغانی را داریم ،به خاطر اینکه اکثراً کارگر هستند و حادثه برایشان پیش می‌آید ما فقط می‌توانیم به افغانی اهدا کنیم،گیرنده افغانی هم فقط کلیه است و در نتیجه قلب ،ریه و بقیه اعضا هدر می‌رود آن‌هم فقط به خاطر وجود چنین قانونی که تصحیح نشده، وزارتخانه از ما مدرک خواستند ، متأسفانه حدود یک سال است مدارک را دادیم و کاری نکرده‌اند. باید یک سیستم نظارتی ایجاد باشد، هیچ کنترل کیفیتی وجود ندارد برای مثال ما ۱۵-۱۶ واحد فرامگ آوری مثل مرکز خودمان داریم که وظیفه دارند روی مرگ مغزی‌ها کار کنند اما وقتی یک واحدی در ماه ۲۵- ۱۳ اهدای عضو دارد و واحد دیگری در ماه دو اهدای عضو دارد کسی نظارتی ندارد که از مرگ است که کمتر داشته بپرسد چرا؟ این به معنی آن است که متأسفانه سیستم نظارت وپارسی قفیتی وجود ندارد . بررسی مجدد قانون ،تکمیل قانون ،بررسی تعرفه‌ها مسائل مهم و قابل پیگیری است. به ازای هر اهدای عضوی وزارت خانه مبلغ مختصری را به بیمارستان‌ها می‌دهد،وقتی ما مبلغ را حساب کردیم بهرادهای عضوی برای بیمارستان از نظر مالی به شدت ضرر است ،جایی که دوتا اهدای عضو می‌کند آن دوتا بیمارستان تأمین می‌کند ولی جایی که ۲۵-۲۰ اهدا را انجام می‌دهد چطور می‌خواهد تأمین کند گاهی ما بین ۱۵تا ۱۸۰ میلیون ضرر می‌دهیم که فقط اهدای عضو داشته باشیم واین به خاطر وجدان مسئولین بیمارستان است که سبب می‌شود

این مسئله ادامه پیدا کند،جالب این جاست که وقتی به وزارتخانه اعتراض می‌کنیم که تعرفه‌ها را زیاد کنید وبین مراکزوتعداد اهدای آن‌ها تفاوتی قائل شوید می‌گویند ما اشتباه کردیم باید مستعدی بگذاریم ،وگویی هر کس بیشتر از این تعداد نمی‌تواند اهدای عضو داشته باشد، این که راه حل نشد پس مرضی‌ها چه کار کنند... مشکل دیگر این است که در ایران بیمه‌ها اصلاً پیوند را قبول ندارند فقط پیوند کلیه تحت پوشش بیماری های خاص است مگر پیوند اعضا دیگر که فرقی با این پیوند دارد؟اما اعتراض کرده و ازمجلس خواستیم که همه پیوندها جزء بیماریهای خاص باشند اما جواب این بود که نمی‌توانند جزء بیماری خاص باشند بلکه می‌شود آن‌ها را از بیماری های صعب‌العلاج دانستند و در آن صورت هزینه‌های خود را ۱۰درصد پارانه تأمین می‌شود،اما هیچ وقت انجام نشد و هنوزهم به مرحله اجرا نرسیده است.باید تدابیری اندیشیده شود چرا که اکثراً مرضی پیوند به شدت مشکل مالی دارد و نمی‌تواند پول داروهای خود را تأمین کند. در واحد ما مدارک‌های خیلی قوی حضور دارند و برای مشکلات مرضی‌ها این کارهای کمک می‌گیرند .خصوصیت خوبی که واحد ما دارد این است که شفاف کار می‌کنیم ،یعنی اگر کسی کمکی می‌کند برای همان تینی که داشته صرف شده واصل فاکتور برایش ارسال می‌شود وان شخص می‌داند پولی که داده کجا خرج شده است،به خاطر نقصان خصوصیت اعتماد زیادی هم جلب کرده‌ایم.در حال حاضر نیاز مالی ما تجهیزات است چون تجهیزات اتاق عمل ما هنوز کامل نیست،به طوری که وقتی مرضی برای پیوند مرضی‌ها تحت فشار قرار می‌گیرد. اگر مثل طرح اکرام یک عده می‌آیند بعضی مرضی‌ها را از جیب خود پیوند تحت پوشش قرار می‌دانند و در خرید داروها... دیگری از آنها نمی‌خواستیم.

***خانم دکتر از اینکه وقتتان را در اختیار ما قرار داده و با سعه صدر به سوالات ما پاسخ دادید بی نهایت سپاسگزارم ؟**
صحتی در پایان دارید بفرمایید؟
بنده هم از شما متشکر،من ان شالله هیچ کس مرگ مغزی نشود ولی اگر شد اعضای خود را به زیر خاک نبرد. و نجات پیدا کرد. معجزه این است که اعضا و نسوج ما

بسیار پیچیده و محکمی وجود دارد و تا تأیید هر چهار نفر تأیید کننده ی مرگ مغزی و در نهایت متخصص پزشکی قانونی نباشد اصلاً اهدای عضوی صورت نمی‌گیرد بنابراین به هیچ وجه ممکن نیست مرگ مغزی به معجزه اعتقاد ندراید شاید معجزه ای رخ دهد، بله ممکن است،اما زنده شدن مرگ مغزی مساوی است با زنده شدن مرده ای که می‌خواهیم دفنش کنیم .آیا ما مرده های خود را به خاک نمی‌سپاریم و منتظر معجزه می‌مانیم؟معجزه زمانی است که مرگ مغزی پیوند ریه ما مرخص شده بود مرضی که یک پرستاری تا از تاکسی پیاده شد ، جرحیقیلی روی تاکسی افتاد همه ی آنهاپی که داخل تاکسی بودند در جا مژدند اما این پرستار مرگ مغزی شد، مادرش هم پرستار بود واعضای بدن فرزندش را اهدا کرد من به دوستانم گفتم دوست داشتمید جای پرستار باشید یا افراد داخل ماشین؟ در واقع خدا فرصتی به آن پرستار داد تا مرگش زیبا و نجات بخش باشد. بنابراین معجزه این است که از مرگ انسان چندین روز زندگی ایجاد می‌شود.این زیبا است که ریز مرضی پیوند ریه را از دستگاه جدا می‌کنیم و دو روز بعد از عمل خودش نفس می‌کشد و دیگر تنگی نفس ندارد،یا مرضی پیوند قلب چهار روز بعد از عمل بدون تنگی نفس راه می‌رود.

بیمار بدشکل شود در حالی که اصلاً اینطور نیست بعداز اهدای عضو جای عمل روی قفسه سینه و شکم یک خط است که به خوبی هم دوخته شده است ضمناً به جای اعضای که برداشته شده پروتز می‌گذارند حتی نسوج و از بیرون مشخص نمی‌شود جای نگاری نیست،چون حقیقتاً جسد بد شکل نخواهد شد.خانم عسل بدبعی یکی از معودود مرضی‌هایی بود که خانواده اش پوست هم اهدا کردند و همان پوست برای مرضی که سوختگی شدید داشت استفاده شد و نجات پیدا کرد. معجزه این است که اعضا و نسوج ما